

استقبال مردمی از جشنواره تئاتر خیابانی میروان

هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی میروان، صبح دیروز با برگزاری مراسم شادیمیایی به‌طور رسمی آغاز شد. این مراسم با حضور جمعی از هنرمندان داخلی و خارجی، مسئولان محلی و علاقه‌مندان به هنر تئاتر از چهارراه شیرنگ میروان آغاز شد و مردم به شکل گسترده‌ای در آن حضور پیدا کردند.شادیمیایی هنرمندان در خیابان های میروان، فضای پرنشاط و سرزنده‌ای را ایجاد کرد. اجرای نمایش به مناسبت

اقتباس در خدمت روایت‌تاریخ

محمد میرعلی اکبری با اقتباس از نمایش «مرغ دریایی» چخوف روایات مختلفی از تاریخ معاصر کشورمان را روی صحنه آورده است

اسرسلطانی گروه فرهنگ و هنر

نمایش «مرغ دریایی» به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی اکبری اقتباسی آزاد از نمایشی با همین عنوان از آنتوان چخوف بوده که روایتگر داستان هنرمندان تئاتر، سینما و... در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ایران است که در یک خانه ویلایی در بندر انزلی برایشان اتفاقی رخ می‌دهد. نمایشی که تلاش داشته به موضوع اقتباس روایتی آشنا را پیش روی مخاطبان خود قرار دهد. این نمایش چهارمین اثر اقتباسی از آنتوان چخوف از میرعلی اکبری بوده که ایرانیزه شده است. نمایش «دایی سعید» از «باغ آلبالو»، «پنگوئن های افسرده» از «سه خواهر» از جمله دیگر آثار این کارگردان و دراماتورژ هستند به همین بهانه با محمد میرعلی اکبری-موضوع اقتباس در تئاتر کشور را مورد بررسی قرار داده ایم.



❏ چرا شما در تجربیات اخیرتان سراغ اقتباس از آثار نمایشی جهانی می‌روید و فکر می‌کنید این آثار چه آورده‌ای برای تئاتر امروز کشور دارند؟

من به‌عنوان نمایشنامه‌نویس علاوه بر این‌که نمایشنامه اورجینال می‌نویسم بیشتر مواقع سراغ اقتباس می‌روم. در درام نویسی اقتباس همیشه بوده و هست. در طلوع تئاتر در ۲۵۰۰ سال پیش در یونان اکثر درام‌ها اقتباسی بود به‌طوری‌که سه تراژدی نویس یونانی که هم‌عصر بودند، داستان‌های متعددی را اقتباس کردند. به‌منظر من اقتباس بخش مهمی از ادبیات نمایشی است که تعابیر مختلف یک نویسنده از یک موضوع را نشان می‌دهد.

❏ چگونه شد که متن‌های آنتوان چخوف را مناسب برای اقتباس دیدید؟

در سال ۱۴۰۰ فیلمی از تئاتر سه خواهر دیدم که یک کارگردان نیجریه‌ای

❏ با آن‌که شما قصد داشتید روایتی از هنرمندان داشته باشید و حتی شخصیت‌های کار هنرمند و روشنفکر هستند اما بیشتر لحن و بیان شان لمپنیسم به نظر می‌رسد آیا این لحن عامدانه بوده است؟

❏ با آن‌که شما قصد داشتید روایتی از هنرمندان داشته باشید و حتی شخصیت‌های کار هنرمند و روشنفکر هستند اما بیشتر لحن و بیان شان لمپنیسم به نظر می‌رسد آیا این لحن عامدانه بوده است؟

افتتاح جشنواره و اجرای گروه موسیقی سلیمانیه عراق شور و هیجان ویژه‌ای به این مراسم بخشید.این جشنواره که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تئاتر خیابانی در کشور شناخته می‌شود، میزبان گروه‌های نمایشی از سراسر ایران و چند کشور خارجی است.هفدهمین جشنواره تئاتر خیابانی میروان قرار است تا ۲۵ مهر در پارک شانو، پارک ملت، دریاچه زریبار و میدان امام حسین (ع) میروان برگزار شود و انواع نمایش‌های خیابانی



بیشتر کسانی که بالحن لمپنیسم در نمایش حرف می‌زنند هنرمندانما هستند تا هنرمند واقعی، مثل شخصیت تهیه‌کننده فیلمفارسی، اما شخصیت‌هایی مثل اسماعیل ششتان و عبد بصیرت، لحن محترمانه‌تری دارند. البته چه بسیار از نویسندگان، منتقدان و روشنفکران بزرگ که از نزدیک دیده‌ام و چنین ادبیاتی دارند. به‌طور کلی دوست داشتم فضای این اقتباس رئالیستی‌تر شود و بیشتر به زندگی معمولی نزدیک شوم.

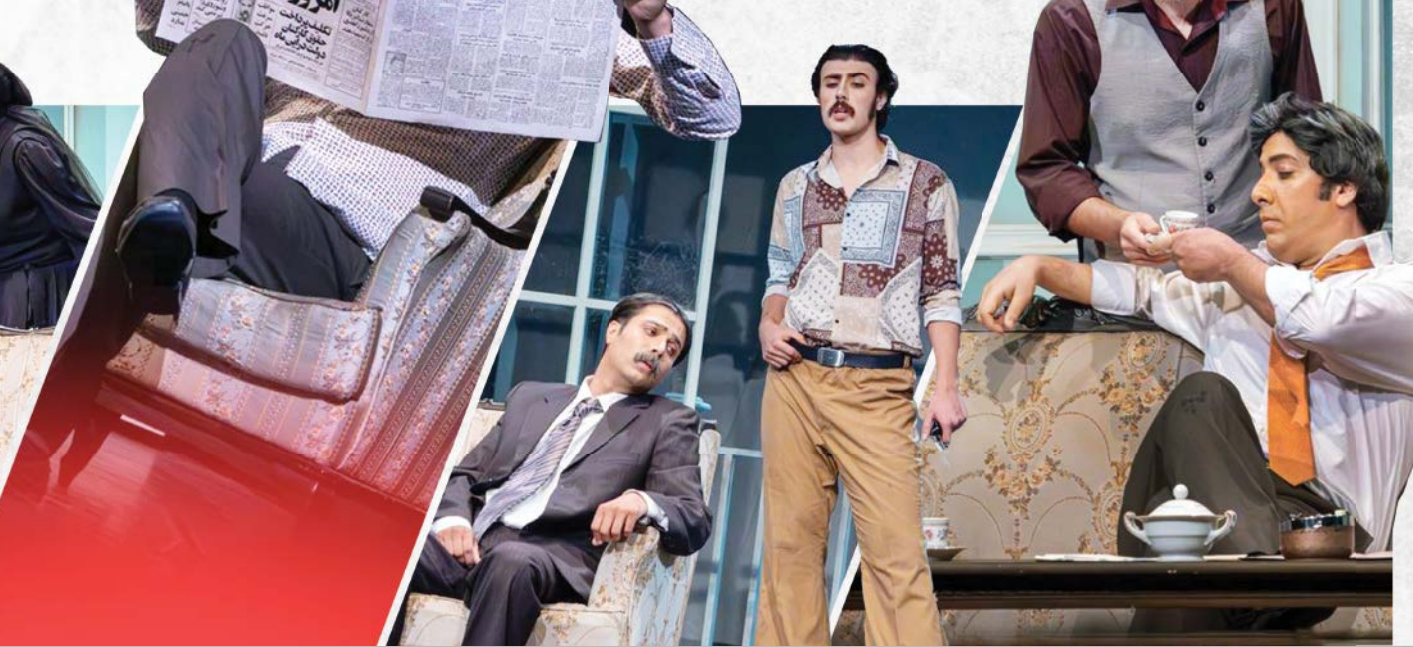
❏ در متن‌های بلند چخوف، ضربه‌هانگ به سمت کندشدن می‌رود اما در اثر شما شتاب تندی در رفتارها مشهود است، این تفاوت ضربه‌هانگ در اقتباس شخصی است و برای این انتخاب دلیل خاصی دارید؟

ضربه‌هانگ کند چخوف مربوط به سبک زندگی روسی قرن ۱۹ است. اکثر داستان‌های چخوف در روستا یا بیرون شهر اتفاق می‌افتد. حال که ما در ایرانی هستیم که شوخ و شنگی و فضایی تندتر از روسیه دارد. حتی در سال‌های قبل که سفری به روسیه داشتم آنها را مردمی کندتر و راحت‌تر از مردم شباب‌زده خودمان دیدم. برای همین تلاش کردم در نمایش همین رویکرد را دنبال کنم.

❏ بنابراین توجهی به فضای امپرسیونیستی و به نسبت شبه‌ایزورد

مرغ دریایی نداشته‌اید که یکی از عناصر استقرار ریتم کند است؟

صد درصد فضای چخوف شبه امپرسیونیستی است و بیشتر به ایزورد نزدیک است ولی انتخاب من این بود که اقتباس‌هایم در سبک رئالیستی باشد. چخوف در اجرای مرغ دریایی در سنت پترزبورگ تاکید می‌کند همه چیز باید شبیه زندگی باشد، زندگی واقعی. من هم با وجود تحلیل‌های امپرسیونیستی و سمبلیستی،



با موضوعات متنوع فرهنگی و اجتماعی برای عموم مردم در بخش‌های مسابقه ایران، دگرگونه‌ها، بین‌الملل، برگزیده جشنواره‌ها و ... اجرا می‌شود.این جشنواره که با هدف ارتقای تئاتر خیابانی و ایجاد پیوند فرهنگی بین هنرمندان داخلی و خارجی و کمک به رونق اقتصادی تئاتر و گردشگری برگزار می‌شود، هرساله توانسته توجه بسیاری از علاقه‌مندان به این هنر را به خود جلب کند.



زندگی واقعی ورنال را ترجیح دادم.

❏ حتی بازیگران با آن‌که به نسبت جوان و کمتر شناخته شده‌اند، اما انرژی، احساس و تحلیل‌های درخوری از چخوف را در فضای ایرانیزه شده به نمایش گذاشته‌اند.

به خاطر این‌که تصمیم داشتیم برای دکور، لباس و گریم هزینه کنیم بودجه هنرپیشه معروف و نامی تئاتر را نداشتیم. ترجیح دادم از جوانان جدید در این نمایش استفاده کنم. البته سال‌هاست که من با جوانان و کسانی که به‌تاژگی وارد تئاتر کشور شده‌اند کار می‌کنم. با بازیگران چندبار مرغ دریایی اصلی را با ترجمه‌های مختلف هم خوانیدم. حین نوشتن نمایشنامه از آنها خواستم که تاریخ معاصر ایران را بخوانند، فیلم‌های درخورد دهه ۵۰ و فیلم‌های مستند را ببینند و مجله‌های آن زمان را بخوانند، عکس‌های آن زمان را ببینند تا بهتر بتوانند آن شرایط را درک کنند.

❏ در طراحی صحنه، لباس، گریم و نور هم همین رویکرد را داشتید. من معتقدم طراحی صحنه، لباس و گریم عناصر مهمی در تئاتر هستند. برای همین ترجیح هم هزینه‌کردن روی دکور است تا خرج تبلیغات انجمنانی و هنرپیشه‌هایی با دستمزد بالا. دکور همیشه برایم مهم بوده و دوست داشتم در این کار از آن بهره ببرم. از آنجایی هم که دوست داشتم درجه واقع‌گرایی کار را بالا ببرم لباس نیز برایم مهم بود. طراحان صحنه، لباس و گریم برای نزدیک‌شدن به فضای دهه ۵۰ زحمت بسیار کشیدند و زمان زیادی گذاشتند تا فضا را به آن سال‌ها نزدیک کنند.

به خاطر اعتقاد به واقع‌گرایی و نزدیک‌شدن به زندگی واقعی، حتی در نورپردازی هم نور یکسانی می‌خواستم که از نمایش بیرون نزنند. با طراح نور، علی کوزه‌گر صحبت‌های مفصلی کردم و گفتیم دوست ندارم بازی نورهای انجمنانی برای این کار داشته باشیم. فقط نوری که فضای رئالیستی را تشدید کند. حتی در گریم با دو مجری گریم و دو دستیار، حدود سه ساعت و نیم گریم ۱۲ بازیگر طول می‌کشد.

❏ پس چرا موسیقی کار این قدر کم‌رنگ بود؟

در صحبت با بابک کیوانی خواستم که موزیک پررنگ نباشد، تلاشم این است از موسیقی در جای خودش و به صورت حداقلی بهره ببرم. ❏ ولی احساس می‌شود موسیقی توجهی به هنری بودن آدم‌های مرغ دریایی می‌توانست بیشتر در تقویت احساسات کمک‌کننده باشد. حتی بنابر همان منطق واقع‌گرایی که گفتید؟

این نظر شما هم قابل تأمل و فکر است. می‌توانست این جور باشد.

❏ این روزها به مهندسی صدا بسیار در اجراها بها داده می‌شود اما

چرا در اجرای شما به افکت‌های معمولی توجه شده است؟

طراحی صدا بیشتر مناسب کارهای تئاتریکال، اکسپرسیونیستی، فرم مجرور... است. در کارهای رئالیستی به نظر من کاری ندارد. ❏ تبلیغات یک رکن در اجراهای تئاتر امروز است. اما شما گفتید که خیلی راحت نسبت به آن کم توجه شده‌اید؟

تنگنم می‌خیال تبلیغات شدن. می‌توانست این بود به جای هزینه برای پروپاگاندای زرد ترجیح بر کیفیت تصویری کار و طراحی‌ها بود. ❏ چرا مرغ دریایی را با یاد اکبر رادی اجرا کردید؟

زند یاد اکبر رادی تحت‌تاثیر چخوف بود. چند نفری بعد از دیدن اقتباس‌هایم از چخوف گفتند، یاد آثار ایشان افتادند. برای همین دوست داشتم نمایش را به ایشان تقدیم کنم.

تئاتر

THEATER

یکشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۳ ۶۸۷۹ شماره

نقد روز

ردپای چخوف در ایران

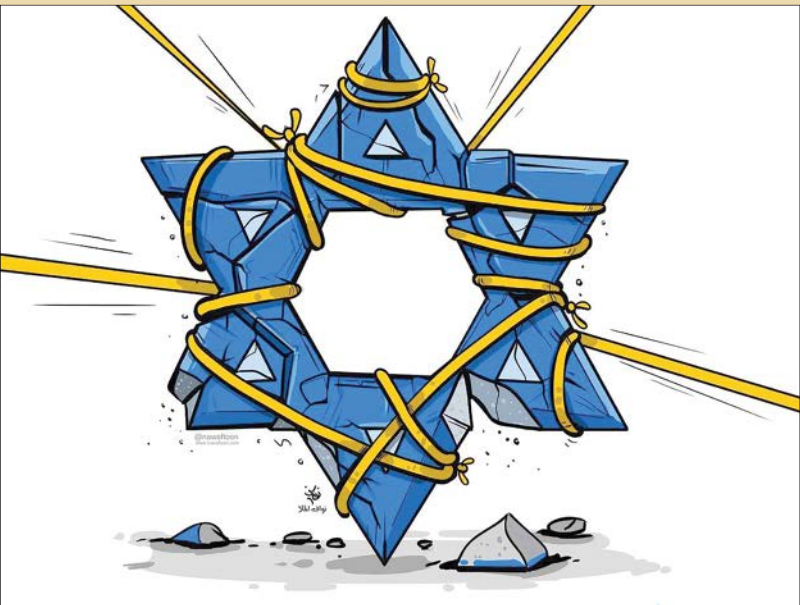
نقدی بر «مرغ دریایی»

نوشته و کار محمد میرعلی اکبری



بازیگران نمایش «مرغ دریایی» پس از متن اقتباسی محمد میرعلی اکبری از اثر جاودانه آنتوان چخوف، دومین عصری است که می‌تواند ما را نسبت به رئالیستی و ایرانی‌شدن این‌اثر شگفت‌زده کند.مرغ دریایی چخوف به‌لحاظ سبکی در واقع امپرسیونیستی در یک بستر رئالیستی است که در اثر میرعلی اکبری از آن جنبه‌های درونی کاملاً کاسته شده و بر جنبه‌های بیرونی و رئالیستی اثر افزوده شده است و این خود عاملی برای متفاوت شدن وضعیت و ایجاد تغییراتی در داستان و شخصیت‌های این اثر اقتباسی شده است.از سوی دیگر در متون پنج‌گانه و بلند چخوف، اضمحلال طبقه اشراف به‌صراحت آشکار است و این روال در باغ آلبالو به شکل آشکارتری بارز می‌شود و نویدبخش انقلاب و فروپاشی عصر تزاری در روسیه است و میرعلی اکبری به قاعده این محتوا، مرغ دریایی‌اش را با انقلاب ۱۲۵۷ درهم آمیخته و با این تفاوت عمده که به جای طبقه اشراف، روشنفکران را جایگزین کرده و آنان را عامل اصلی انقلاب و سرنگونی محمدرضا پهلوی می‌شناساند. این همان نکته‌سنجی نویسنده ایرانی است که اقتباس را به‌زیبایی معنا می‌بخشد و البته میرعلی اکبری نیز چنین وضعیتی را کم‌تری از چخوف می‌نمایاند و متن چخوف و تراژدی‌تر به‌نظر می‌رسد با آن‌که در اینجا نیز مرگ کارگردان جوان هر چند به خودکشی می‌انجامد، بسترساز یک تراژدی است. افزون بر این اقتباس معنادار می‌توان به گرینش و هدایت بازیگران اشاره کرد که به‌درستی انتخاب شده و از هدایت راستینی برخوردارند هر چند به‌دلیل کم‌رنگ‌شدن وضعیت تراژیک و آندوه‌نقش‌ها انگار ساده‌تر و روان‌تر شده‌اند و نقش‌های بیشتر تیپ‌گرفته‌اند تا این‌که کاراکتر باشند و این جریان بازی را برای برخی بازیگران ساده‌تر کرده و البته ایرانی‌شدن فضا و نقش‌ها نیز بر این سادگی افزوده است. مردک تنها نقش کاراکتر شده‌است که مهران مرادی با انرژی بسیار و بیان درست و احساس‌اندوه‌بار و شکننده آپس آرایش برمی‌آید. بقیه نقش‌ها شبه‌کاراکتر تیپ با کاملاً تیپ هستند مثل نقش رضا بنچی با بازی صادق فخاری که پیام‌آور شوخ و شنگی است، مگر لحظه مرگ مردک که ورق برمی‌گردد. پیمان محسنی نیز در نقش ارا دانشس با منتقد بر آن است که کلیشه‌شکن باشد، بنابراین سیبل کلفت و عینک ذره‌بینی دارد اما ته‌لپچه زخم‌ت شهری دارد و همین تناقض است که بازی‌اش را جذاب‌تر می‌کند. ایمان میرهاشمی نیز در نقش عبد بصیرت در واقع دبیر و نویسنده نوجویی است که در شهرستان ادای عباس نعلیندیان را درمی‌آورد. بقیه بازیگران نیز در حد معمول نقش‌ها را درآورده‌اند... دکور، لباس و گریم نیز در ایرانی‌نمودن فضا تأثیرگذار بوده‌ومی‌تواند مارا با یک‌ره نوتر و قابل باورتری روبه‌رو سازد و این یعنی کامیابی نسبی در اجرای متونی که در ایران ما کمتر با چنین حال‌وهوای درخوری مواجه شده‌اند. به هر روی به لحاظ گونه میرعلی اکبری کم‌دی‌اش بر تراژدی می‌چربد و همین خود از زرف‌اندیشی آن متن می‌کاهد و خود دلیلی برای بایستن‌تر اجرا می‌شود، اما در کل بهتر است مرغ دریایی را در مقام یک اقتباس درخورد تأمل و چشمگیر بهتر است دید....

قاب مقاومت



صهیونیسم در محاصره مقاومت

حال و روز رژیم صهیونیستی بعد از دهه‌ها کشتار و اشغالگری همین چیزی است که در کاریکاتور این هنرمند عرب مشاهده می‌کنید. صهیونیست‌ها که دهه‌ها عادت کرده بودند در سرزمین‌های اشغالی ساکن باشند و به کشورهای دیگر تجاوز کنند و امنیت دیگران را برای حفظ امنیت خود از میان ببرند، این روزها هر روز و هرلحظه از ترس موشک و پهپادی که از چند سو بر آنان می‌بارد، روزگار وحشی دارند. جبهه مقاومت از هرسو بر آنان می‌تازد و کشتار و ترور دیگر چاره رژیم جعلی نیست چرا که بنیادهایش و اسطوره شکست‌ناپذیری‌اش خلل برداشته و باید به‌زودی منتظر فروپاشیدنش بود.

رویداد

معرفی آثار «تئاتر خیابانی» جشنواره کودک

دبیرخانه بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان - همدان ضمن معرفی نازلیا نوری‌شاد، فرزاد دلفانی، سعید خیراللهی، فرزاد لباسی و نوشین بیگلریان به‌عنوان اعضای هیأت انتخاب بخش «مسابقه تئاتر خیابانی»، اسامی نمایش‌های آثار به‌جشنواره راه یافته‌اند: «خوش‌حالیم» به نویسندگی و کارگردانی روح‌ا... سناپی از تهران، «دو بسته زندگی» به نویسندگی آرزو بهرامی و کارگردانی فرشته جعفری و مهدی روزبهانی از زنجان (مشروط)، «رسم وفا» به نویسندگی راضیه پاشایی و کارگردانی فاطمه جلیلی معز از همدان (مشروط)، «سه‌ستار سبیل» به نویسندگی مجتبی خلیلی و مهدی ایرانی و کارگردانی مجتبی خلیلی از اصفهان، «صندوقچه اسرار» به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا رضایی مجد از همدان (مشروط)، «غولسایز» به نویسندگی و کارگردانی مصطفی کولیوندی از ایلام (مشروط) و «الک‌لک جون و دوستان مهربان» به نویسندگی و کارگردانی علی فریدنی از شاهین‌شهر. در بخش نمایش ایرانی هم «خواستگاری مبارک» به نویسندگی و کارگردانی رومینا خواجه‌نژاد از مشهد و «مبارک بازیگوش» به نویسندگی و کارگردانی حسین ربیعی و «مبارک و کتاب جادویی» و... پذیرفته شده‌اند.



«هوش پشه‌ای» این بار در پردیس تئاتر

دور دوم اجرای نمایش «هوش پشه‌ای» به نویسندگی و کارگردانی سامان کرمی به‌زودی در پردیس تئاتر تهران آغاز می‌شود.

در دور اول اجرای این نمایش که در تالار هنر روی صحنه رفت، بیش از ۲۰۰۰ نفر به تماشای این نمایش نشستند. هوتن شکیبا، زاله صامتی و سعید چنگیزیان هنرمندانی هستند که از صدا و تصویر آنها در بخش‌هایی از این پروژه استفاده شده است. سامان کرمی پیش از این در آثاری چون «جن‌گیر»، «کیارش»، «طبل بزرگ»، «حکومت نظامی»، «این همه غول»، «گنجشک مجیک»، «من چه جوری ممکنه به پرنده باشم»، «از نظر سیاسی بی‌ضرر»، «برده خانه»، «گالیه» و... به‌عنوان بازیگر حضور داشته است. هوش پشه‌ای اولین تجربه این هنرمند در عرصه کارگردانی تئاتر به‌شمار می‌آید. این نمایش داستان پسری است تنها در خانه که وابستگی شدیدی به اینترنت و فضای مجازی دارد و از ارتباطات اجتماعی و عواطف انسانی دوری می‌کند. وی سعی می‌کند مشکلات واقعی و حتی ساده در زندگی را با استفاده از اطلاعات موتور جست‌وجوگر و هوش مصنوعی حل کند، اما... جزئیات زمان اجرا و بلیت‌فروشی این نمایش به‌زودی منتشر می‌شود.

